

رساله مزارات هرات

رساله مزارات هرات از جمله آثار منحصر بفردی است که در کتابخانه دایره المعارف بزرگ اسلامی نگهداری می‌شود. این رساله معرف آثار، ابنیه و ... موجود در منطقه هرات افغانستان است. ضمن تشکر از کتابخانه دایره المعارف بزرگ اسلامی که آنرا در اختیار انجمن دوستی ایران و افغانستان قرار داده است. معرفی این رساله را که دارای مقدمه ای شیوا و شیرین است، به مخاطبین نسیم بخارا هدیه می‌نمایم.

رساله «مزارات» فهرست مختصریست از نام و شمهای از حال رجال نامی هرات از متصوفین و علما و فضالی بزرگ که از قرون ماضیه تا نیمه قرن نهم هجری در هرات بدنیا آمده و هم آنجا نشو و نما یافته و در آغوش آن خاک آسوده و یا بزرگانی که از اطراف عالم هرات را پسندیده و زندگی در هرات را پذیرفته‌اند، که نام و شرح حال مردان نامی این محیط بطور شاید و باید در هیچ رساله و گنجینه نمیگنجد و اگر صاحب دولتی از عهده جمع و تدوین آن برآمده بتواند که مثنوی هفتاد من کاغذ شود.

من به این کتاب سابقه طولانی دارم و سالهاست که به آن مانوسم و بخاطر دارم در سال هزار و سیصد و هفت شمسی هنوز مدرسه پای حصار مهد علم و کان هنر بود و من شاگرد مدرسه بودم.

یکی از بزرگان هری نسخهای بزحمت بدست آورده و چون آن کتاب بطبع نرسیده بود نسخ آن کمتر بدست می‌آمد. آن مرد پا کنه‌دار از خال مرحوم من مولوی محمد سلیمان سلجوقی که در خط نستعلیق مایه داشت تقاضا نمود نسخهای به خط خوش از روی آن نقل بر دارد تا در کتابخانه خویش آن را محفوظ نماید.

چند روز طول کشید تا مایحتاج آن کار فراهم و مرتب شد یعنی سنگرف حل و کاغذهای فرنگی را به برگ حنا رنگین و بشیمه برنج لعابی و مصقول نموده بجدول نخعی سطر کشی گردید و کار کتابت آن آغاز یافت، جزو جزو که کتابت میشد آن را به جدول طلای ورق جدول و مزین می‌نمود. من که



بازی گوش بودم، پس از فراغ درس همه توجه من بشطرنج و تفریح بود. خال من مرا بخواندن رساله مزارات میگردت که من بخوانم و او بنویسد تا سهولتی در کار باشد و من از خواندن کتاب و پابندی خویش رنج میبردم. سالی چند پیشتر یکی از معاریف هری را امری واقع شده بود که هنوز آن نقل نقل مجالس و داستان محافل بود و من هم که قدم به آستان شباب گذاشته بودم طبعی شوخ داشتم و تا حدی بواسطه مرور با نشای کتاب موصوف آشنایی پیدا کرده بودم. پس از ختم ترجمه بهمان سبک بخصوص، کتاب در دست و شرح حالی به آن مرد بزرگ املا نمودم، چندانکه پنداری از روی کتاب میخوانم و خال مرحومم غافل آن املا را بسواد میگردت تا نیم بیشتر صفحه را سیاه کرد. آنگاه به آن نکته حساس رسیدم که خال من متوجه شد و قلم بر زمین زده در غضب آمد و در آن حال او را خنده دست داد که تکیه به دیوار زد و گفت فرزندم هر چند یکساعت وقت مرا و یکورق کاغذ را که بزحمت فراهم شده ضایع نمودی، چون شوخی خوش مزه بود تو را بخشیدم و در عوض انعام خوبی بتو خواهم داد بشرطی که دیگر شوخی نکنی و وقت مرا ضایع نسازی تا ختم کتاب وظیفه من خواندن و از حال من نوشتن بود و آهسته آهسته هوش من بجانب مزارات متبرکات هری متوجه میسد. از پای هر مزاری که میگذشتم از اهل آن محل یا قریه نام و شهرت آن را میپرسیدم و بخاطر میسپردم و احياناً یادداشت میگردتم و از طرفی اقوام من معتقد طریقه نقشبندیه بودند و اکثر آنان صوفی مشرب و خداجو و عالم و روزهای جمعه و شنبه و چهارشنبه بمزارات کثیر البرکات پیران هری جهت درک زیارت مرو مینمودند و پیران قوم بیشتر مزارات قدیمه هرات را میشناختند و من هم به پیروی پدران و اسلاف بمزارات اهل الله محبتی در دل حس میکردم و به آن نسبت نسخه هم از مزارات هرات بدست آوردم و آنرا سراپا نقل نمودم که متأسفانه آن نسخه و نسخه دستنویس خال من در دست نبود تا در تصحیح و مقابله کتاب حاضر از آن استفاده میشد.

علی ای حال من بمزارات هرات آشنایی کاملی پیدا کرده بودم و بهر قریه و دیه دور دسنی که میرفتم الواح مزارات را به پرزه نقل بر میداشتم و غرض من آن بود تا تاریخی مفصل بنویسم و از آن نوشته‌ها در تاریخی که فراهم می‌نمایم استفاده کنم (چنانکه بعضی از اجزای آنرا در شماره‌های مجله هرات بنام تاریخ هرات باستان نشر نمودم و دو رساله کوچک بنام گازرگاه و رساله خیابان در کابل بطبع رسید.) تا آنکه در ماه حمل ۱۳۴۳ از طرف انجمن مفتح تاریخ افغانستان موظف شدم که رساله مزارات هرات را تصحیح و مقابله و املا طبع نمایم و در این باره در این شماره از تاریخ هرات

یک نسخه خطی از حصه دوم مزارات متعلق به کتابخانه انجمن تاریخ هرات برای اینجانب به هرات فرستادند که عضو افتخاری انجمن تاریخ بود. دیری نگذشت یعنی در همان نزدیکی به کابل خواسته شدم و رسماً در انجمن تاریخ مشغول کار گردیدم و به تصحیح و مقابله رساله مزارات شروع نموده به اندک فرصتی کتاب مورد بحث یعنی «مقصدالاقبال» را تصحیح و مقابله نمودم که آتش خاموش گشته گل کرد و روشن شد بسراغ یادداشتهای دیرین افتادم عازم هری شدم و مدت دوماه در خانه نشستیم و به ترتیب اجزای پراکنده مشغول بودم تا هسته تعلیقات (که در حواشی متن بنام حواشی آخر تعبیر شده) فراهم شد. آنگاه به تکمیل نواقص آن پرداخته بسراغ بعضی از مزارات که در نقل برداری الواح و کتیبه‌های آن تاخیر و تقصیری رفته بود. رفتم و نقلها برداشتم تا به این صورت که ملاحظه میفرمایند فراهم شد و برآستی که اگر آن همه یادداشتهای در دست نبود. آنچه را که در مدت سه چهار ماه مرتب نمودم به سه چهار سال هم فراهم نمیشد. آنگاه به کابل برگشتم و حصه دوم و سوم را به تصحیح و مقابله گرفتم و بیابان رساندم.

رساله مزارات هرات

کتاب حاضر شامل سه رساله است که هریک در عصر و زمانی جمع و تالیف یافته به این ترتیب:

حصه اول: یعنی کتاب مورد بحث و آن رساله ایست به نام «مقصد الاقبال سلطانیه و مرصداً لآمال خاقانیه» تالیف امیرسید عبدالله الحسینی معروف بهاصیل الدین واعظ هروی که در عصر سلطان ابوسعید گورکان و ظاهراً به اشاره آن پادشاه عادل فراهم و نوشته شده و از همان عصر تا عصر حاضر مورد علاقه خواص و عوام هری بوده و هست.

امیرسید عبدالله الحسینی (اصیل الدین واعظ) اصلاً از سادات دشتکی شیراز است و خاندان آن سادات جلیل حسینی در عصر شاهرخ یا سلطان ابوسعید گورکان از شیراز به هرات آمده اینجا اقامت جستند. هر چند معروف است که امیرسید اصیل الدین بامر سلطان ابوسعید از شیراز به هرات آمده گمان میکنم که خاندان اصیل الدین به فرمان شاهرخ به هرات آمده باشند. زیرا که دوره سلطنت ابوسعید گورکان طولانی نیست و اصیل الدین این کتاب را به عصر وی نوشته و ممکن نیست شخصی غریب در مدت دو سه سال به تمام زوایا و خیابای هرات اطلاع حاصل نماید و چنین کتابی بنویسد

بخاقان سعید افزوده باشند.

به هر حال مرحوم اصیل الدین واعظ بهمه محلات و دهات و زوایا و خیابای هرات آشنایی کامل داشته و به دقتی تمام کتاب خود را فراهم نموده.

این کتاب پس از مقدمه به ترجمه سید عبدالله معاویه آغاز و به ترجمه مولانا زاده طفلکانی ختم میشود و دوصد و نه تن از علما و مشایخ و درویش هری را میستاید و ظاهرا آغاز تالیف آن یکی دو سال قبل از هشتصد و شصت و چهار هجری بوده زیرا که سال وفات آخرین صاحب ترجمه کتاب همان سال ۸۶۴ هجری است. این کتاب هر چند برای سلطان ابوسعید فراهم شده اما مصنف مرحوم آن را برای همگان نوشته و چندان به عبارت آرایبی نپرداخته تا خواص و عوام از آن استفاده نمایند و از حیث پختگی کلام و متانت عبارت و امتیازات دیگر نه به «نفحات» جامی میرسد و نه به «تذکره الاولیای» عطار نیشابوری. مع ذلک فهرست مرتبی است از اسامی بزرگان و مشایخ هری که مرحوم مصنف به قدر توان فراهم نموده و بما بیادگار گذاشته و چنانکه گفته شده این کتاب جهت استفاده خواص و عوام نوشته شده و اگر خواجه امانت دار و خواجه کله و خواجه سیاه پوش و خواجه چهل گزی و امثال ایشان را با سید عبدالله معاویه و حضرت خواجه انصاری و امام رازی در یک کاخ جمع کرده و بر سر یک سفره نشانده عذر مصنف را میپذیریم که عوام هری به آن مزارات توجهی داشته به مزار خواجه روشنایی روشنای میبردند و به خواجه گله گله نذر میکردند. اصیل الدین واعظ از کتاب خویش راهی به سوی آنان گشود. تا عوام نیز بسراغ معتقدات خویش بکتاب وی راه یابند و در ضمن بسایر بزرگان و بزرگواران آشنا شوند. گرچه خود نیز به این ایراد وارد بوده و در کتاب خودیابی علیحده گشوده و نام آن مزارات را به عنوان باب دوم شرح داده است.

خاندان سید اصیل الدین عبدالله از سادات جلیل حسینی شیراز و به سادات دشتکی معروفند که به فرمان شاهرخ یا سلطان ابوسعید محترمانه به هری خواسته شده اند و تا اکنون دودمان آن خاندان در هرات بسر میبرند و تا هنوز فرمانهایی سلطان حسین بایقرا و سلطان ابوسعید را در دست دارند و از املاک که سلاطین تیموری به اجدادشان بخشیده اند بهره بر میدارند. چندین سال قبل نزد مرحوم سید تقی شاه طیب از احفاد فرزندان امیرجمال الدین عطاءالله فرمانی از سلطان حسین بایقرا به نام امیرجمال الدین عطاءالله

اصیل الدین واعظ

در سیر حضرت خاتم النبیین از مصنفات امیرجمال الدین عطاءالله است که یک نوبت در هند به طبع رسیده و نسخه نفیسی بخط مصنف یعنی همان و امثال این حکایات که نه من میتوانم باور نمایم و نه هیچکس دیگر که پیر ما حضرت عبدالله انصاری قدس سره فرماید: اگر به هوا شوی مگسی باشی و اگر بر آب روی خسی باشی و دل بدست آر تا کسی باشی، من به اعجاز انبیا علیهم السلام ایمان دارم و کرامت اولیا را حق میدانم و بندلوی روحی و شفای بیماران به تلقین مشایخ و درویش معتمد که روانشناسان نیز علما آن را انکار نمی نمایند اما نمی توانم فرار استر فلان درویش را در صحرا و پس از ساعتی بجای خویش باز آمدن و امثال این حکایات را باور نمایم و بحساب کرامت بگیرم.

با این همه و مرحوم جلال الدین هروی حلقه گسسته رساله مزارات را وصل نموده و آن مایه که فراهم کرده بدست مولانا عبیدالله هروی سپرده تا وی جلد دوم رساله «مزارات» را شیرازه بندی نماید.

حصه دوم مزارات هرات. تالیف مولانا عبیدالله بن ابوسعید هروی یکی از ملاحای گمنام هرات است که شرح حال و چگونگی زندگی وی بکلی تاریک است و ما او را بوسیله همین رساله وی میشناسیم و دیگر هیچ اطلاعی از زندگی وی نداریم.

حصه دوم مزارات هرات. رساله ای است که از اندوخته دیگران فراهم شده و نقد هر کتاب و رساله که بدستش رسیده به اندک تصرف نموده و در چمتای خویش ریخته و بنام خویش کتابی آراسته و بیادگار گذاشته.

گمان میکنم که اسناد مولانا عبیدالله فقط سه کتاب یعنی «وسيله الشفاعات» و «حبيب السیر» و «نفحات الانس» بوده و به دیگر کتب مراجعه ننموده و یا در دسترس نداشته و مطالبی را که به کار داشته بدون تصرف و اندک پس و پیش جملات از این سه کتاب برداشته و در رساله خویش گنجانیده و این رساله را فراهم کرده.

حصه سوم مزارات هرات: تالیف مرحوم مولوی محمد صدیق هروی معلم دارالحفاظ است که به خواهش مرحوم حاج محمد عظیم خان آزادانی ناشر اول کتاب مزارات هرات آن را تالیف نموده و علما و مشایخ و درویش قرن اخیر را دسته بندی و بصورت رساله فراهم کرده که هر سه رساله مجموعا در سال ۱۳۰۸ شمسی به همت مرحوم حاجی محمد عظیم خان مصنف و کوشش دانشمند معظم جناب عبدالکریم خان اجراری در مطبعه

صاحب نوبی و طالب انصاری در دسترس قرار می‌گیرد. در مقدمه بزرگ بنام باقیات الصالحات بصورت رساله جداگانه نوشته و در اول کتاب ضمیمه نموده نسخه طبع لاهور از حیث صحافت و خوشخطی قابل تمجید است اما مولانا عیشی کاتب و ناشر آن آنقدر در عبارت کتاب تصرف و دستکاری نموده و فصلهای از خود به آن افزوده که به کلی آنرا بصورت تالیفی دیگر درآورده. علی ای حال امروز نسخ چاپی مزارات چه طبع هرات و چه چاپ لاهور آنقدر کمچین است که حکم نسخ خطی را بخود گرفته.

چگونگی طبع حاضر

چنانکه بیشتر گفته شد سالهاست که به این کتاب مانوسم و به

و هر مزار و قبری را که میدیدم از اهل محل و پیران آنجا اسم و رسم آن را می پرسیدم و به خاطر می سپردم و یا یادداشت می نمودم و غرض من از این پرس و پال و یادداشت گرفتن جمع آوری رجال هری بود تا در تاریخی که آرزو، جمع و تالیف آن را در دل می پروراندم موادی حاضر داشته باشم. تا ذخیره فراهم شد و خوشبختانه آن همه اندوخته‌ها در کار این رساله گردید و به اینصورت کتابی آماده طبع شد و چیزی که باعث این امر گردید. همانا تقاضای انجمن مغتنم تاریخ بود که نسخه طبع هرات را با یک نسخه خطی از وسیله الشفاعات و حصه دوم مزارات هرات را به من فرستادند تا تصحیح و مقابله نموده آماده

۱. خاک امیر جمال الدین عطاء الله در باغ نظرگاه در راه قدیم گازرگاه بدست راست راه قدیم بین اراضی مزروع به حال بی اعتنائی افتاده محوله‌ای است و لوحی بسیار عالی از مرمر بالا سرمزار نصب است و دریفا که چهل و پنج سال قبل چیزی بیش و کم مالک آن اراضی از بیم آنکه ورثه امیر جمال با آن راضی دعوی نمایند نام امیر جمال و تاریخ وفات او را از آن لوح حک نموده و اکنون به همان حال باقی است و متأسفانه نقل آن را که به تمام برداشته بودم هر قدر بین یادداشتها جستم نیافتم.
۲. به آنکه در دسترس جناب احراری یک نسخه بیش از رساله مزارات نبوده حقا که زحمت بسیار کشیده‌اند و نسخه ایشان بارها از چاپ لاهور بهتر و درست تر است.

انتشارات نسیم بخارا منتشر کرد:
کتاب

عقیدتی دوستی

به زبان پشتو

ترجمه ای از کتاب

امام علی (ع) خورشید بی غروب

مترجم:

دکتر ذبیح الله اقبال

این کتاب در بیان فضایل و کمالات امام علی (ع) از زبان پیامبر اکرم (ص)، صحابی و بزرگان جهان اسلام و بزرگان مذاهب تشیع و تسنن گردآوری شده است. انتشار این کتاب توسط انتشارات نسیم بخارا هدیه ای است به دوستان معارف اسلامی و پژوهشگران حوزه دین.

